

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

مصاحبه کننده: مارک پیژکه، نیویورک  
برگردان از: ظفر دخت خواجه پور  
۱۷ جون ۲۰۲۰

## خس خس یک امریکای در حال احتضار

نظر یک مؤرخ در باره ناآرامی در ایالات متحده امریکا



ادی گلاوده\*، مؤرخ افریقا امریکائی با نژادپرستی رشد کرده است. در این مصاحبه او توضیح می دهد که چرا در حال حاضر خشم می جوشد و به غلیان در آمده است. و آیا این موقعیت به انقلاب منجر می شود؟

\*\*\*\*\*

**اشپیگل: آقای گلاوده شما به عنوان یک افریقا امریکائی موقعیت کنونی را چگونه می بینید؟**

**گلاوده:** من خسته و خشمگینم؛ برای این که با خانم فانی لو هامر، فعال حقوق شهروندان، همصدا باشم، می گویم من خسته ام. خسته بودن. این خستگی به مغز استخوان فرد می رسد. با وجود این ما مجبوریم از جا برخیزیم و تصمیم بگیریم و ببینیم که چگونه می توانیم راهی پیدا کنیم تا دست کم خودمان را محافظت کرده و سرپا نگه داریم.

**اشپیگل: ولی چرا این ناآرامی و اعتراض ها دائماً شدت یافته است؟**

**گلاوده:** امریکا یک مشکل قدیمی و کهنه دارد؛ این ادعا که سفید پوستان بیشتر از دیگران ارزش دارند. این ادعا به آن قلاب شده است. این که چگونه کل جامعه ایالات متحده سازماندهی شده و چگونه پولیس با ما برخورد می کند. کووید ۱۹ این جنبه زشت در سایه مانده را هویدا ساخت. این جنبه عمیق پرخاشگرانه بی عدالتی اجتماعی را. این ویروس مانند غده ای این شکاف اجتماعی را در خود فرو داد و آن را برجسته کرد. تعداد بسیاری از افریقا امریکائی با این

ویروس دست و پنجه نرم کرده اند. تعداد مرگ و میر در ما زیاد است. بیشتر ما سر و کارمان به بیمارستانها می کشد. تعداد مبتلایان بسیار زیادند؛ و حالا جدیدترین خشونت پولیس نسبت به یک افریقا امریکائی به آنها اضافه شده است.

### اشپیگل: جورج فلوید، امور اریبی، بروناتیلور

**گلاوده:** -قتل- جورج فلوید نمودار هر چیز اشتباه است که در امریکا وجود دارد. سیستم نابرابری زیادی ایجاد کرده است. و همه ما را به انسان هائی خودخواه بدل ساخته است که فقط به مسابقه و رقابت می اندیشند و اصطلاح نفع جمعی را از بین برده است. رابطه و علاقه و تمایل به شبکه امنیت جمعی را پاره پاره کرده است.

### اشپیگل: پس این اعتراض ها بیشتر دلالت بر چیزهای دیگر دارد تا فقط مورد جورج فلوید و خشونت پولیس.

**گلاوده:** در اینجا یک ایدئولوژی اقتصادی و سیاسی در حال درهم شکستن است. جس جس یک امریکای در حال احتضار را داریم تجربه می کنیم. امریکائی که از طرف دونالد ترامپ معرفی می شود. مردم می دانند که حزب جمهوریخواه و اساس جغرافیائی اش دیگر نه تنها وسعت نمی گیرد بلکه کوچک می شود. آنها می دانند که تعداد محافظه کاران مسیحی سفید پوست که حزب جمهوریخواه را حمایت می کنند، کمتر می شود. آنها می دانند که امریکا دائم کمتر سفید می شود. سیاست آنها منجر به دست و پا زدن های عصبی و ترس بیمار گونه ای می شود تا خود را به امریکائی بچسبانند که در بستر مرگ افتاده است. کووید ۱۹ و مورد جورج فلوید این روند را سرعت بخشیدند. در حالی که یک جهان پیر و کهنه می میرد، جهانی جدید در تلاش است که به دنیا بیاید و ما قابله های آن هستیم

### اشپیگل: در این جنبش فقدان چهره رهبری مانند مارتین لوتر کینگ در دهه ۶۰ احساس نمی شود؟ آیا دموکرات های ایالات متحده درست در حال حاضر کم نیاورده و جا نزده اند؟

**گلاوده:** پرسش خوبی است. دموکرات ها در حال حاضر فقط به انتخابات و پیروزی می اندیشند که چگونه به کاخ سفید دوباره وارد شوند، کنگره را نگهدارند و مجلس سنا را واژگون کنند. به نظرم می رسد که آنها بینش و چشم انداز ندارند. موقعیت کنونی که ما آن را تجربه می کنیم ناشی از همکاری بزهکارانه دو حزب و همچنین پول کلان است، و این آمادگی تا بدین وسیله به رضایت خاطر برسند و به طرف کارگران فقط خرده نانی بیندازند. ما نیازمند یک بینش و چشم انداز هستیم. ما آن را در دموکرات ها نمی بینیم. اگر بخواهیم که یک امریکای نو به دنیا بیاوریم نمی توانیم به سادگی به آن چیزی رو آوریم که زمانی وجود داشت.

*منظور بینش و چشم انداز راستین است*

### اشپیگل: این جنبش به کجا منتهی می شود؟

**گلاوده:** در میان خطر ناشی از پاندمی مردم ریسک می کنند تا علیه خشونت تظاهرات کنند، همچنان که عده ای هر روز مجبورند زندگی خود را به مخاطره اندازند فقط برای این که بتوانند کار کنند. برآستی اگر ما بخواهیم یک امریکای نو به دنیا آوریم، مجبوریم که همه جانبه ریسک کنیم و این به همین ترتیب هم خوب است. این جنبش بسیار فراتر از انتخابات در نومبر است. مسأله فقط موضوع برانداختن ترامپ و جایگزین ساختن جو بایدن نیست. اینجا موضوع اصلی اخلاقی است که آنچنان به جلو برانیم که منجر به فرار وال استریت و سیلیکون ولی بشود. محور اینجا

راستی و درستی بنیادین است. ثروتمندترین ملت در تاریخ جهان نباید که این همه فقیر داشته باشد. ما در آغاز یک لحظه انقلابی هستیم.



افریقا امریکائی‌ها از خیلی وقت پیش آرزوی آن را داشته اند. والدین سیاهپوست مجبورند در صحبت با فرزندان خود، نونهالان خویش را برای رویارویی با پولیس در درگیری‌های روز افزون نژادی آماده سازند. این برای سفید پوستان غیر قابل تصور است.

#### اشپیگل: چگونه این- بحث- با پسرت انجام شد؟

**گلاوده:** با مورد تایمر رایس، نوجوان دوازده ساله ای که در زمین بازی با تیراندازی دو پولیس در سال ۲۰۱۴ کشته شد، آغاز گردید. در زمانی که هیأت منصفه بزرگ یک سال بعد از کیفرخواست خودداری کرد، لانگستون و من در یک فرودگاه بودیم. او مانند پلنگی محبوس به اطراف می‌پلکید. می‌دانستم که او خشمگین است. و فکر می‌کردم که چگونه از تأثیر این خشم بر عمق وجودش جلوگیری کنم تا روانش آسیب نبیند. چندی بعد که آلتون استرلینگ و فیلاندو کاستیل در ۲۰۱۶ مورد اصابت گلوله قرار گرفتند، تصمیم گرفتم که به لانگستون نامه ای بنویسم و ترسم را طوری فرموله کنم، توضیح دهم که برای امنیت او است که دلم می‌خواهد که او را در خانه نگه دارم. جوابش تأثیرگذار بود: او به اندازه کافی می‌داند که در خانه هم هیچوقت امنیت نخواهد داشت حتی اگر هم او دوباره هفت ساله باشد.

#### اشپیگل: حالا او چند ساله است؟

**گلاوده:** حالا او ۲۴ ساله است. در دانشگاه براون حقوق می‌خواند و به زودی وکیل می‌شود. او دیروز تصمیم گرفت که در تظاهرات برنتون نیوجرسی شرکت کند. طبیعی است که من نگران بودم. برای این که نمی‌دانستم که اعتراض‌ها به کجا می‌انجامد. آیا دوباره به خشونت می‌کشد یا نه؟ همچنین به این خاطر که وپروس هنوز هم جریان دارد. ولی من در چهره او دیدم خیلی ساده، او باید همراه باشد. وظیفه بزرگ همراه با ترس بود که تا آن موقع داشتم. چگونه می‌توانم پسرم را تربیت کنم و با او در جهانی زندگی کنم که به او پیوسته می‌گوید که «تو حق حیات نداری.»

**اشپیگل:** در کتاب جدیدتان در مورد «جیمز بالدوین» یکی از مهمترین نویسندگان آفریقا امریکائی، به شرح ملاقاتی در هایدلبرگ، حدود دو سال پیش می پردازید. شما در آنجا «لحظه شوک مانندی» را تجربه می کنید، وقتی که یک پولیس المانی با سیاه پوستی رفتار بدی داشته است. با وجود این از این که دست کم در آن لحظه در امریکا نیستید خوشحال بوده اید. منظورتان چیست؟

**گلاوده:** دانشگاه هایدلبرگ به من در آن موقع جایزه ی «جیمز و.سی پنینگتون» داد. این جایزه به نام بنده ای -slave- نامگذاری شده بود که دانشگاه به او در ۱۸۴۹ دکترای افتخاری داده بود. اقامتم در آن موقع به من فرصت دوباره نفس کشیدن بخشید. این فاصله با امریکا و با ناآرامی های نژادی به من چشم انداز ویژه ای در مورد امریکا داد. کشورم را برای مدتی آن طور می دیدم که هست. بدون این که مجبور باشم که آن را روز به روز با تمام وجودم تجربه کنم.

**اشپیگل:** نژاد پرستی فقط در امریکا نیست.

**گلاوده:** نه، مسأله مختص امریکا نیست. ولی تاریخ خاص امریکا به آن لحن تازه ای می دهد. طبیعی است که نژادپرستی در اروپا هم دیده می شود در ارتباط با موضوع مهاجرت. در اروپا به صورت ایدئولوژی «نژاد برتر سفید»، آن جور که نازیسم آن را نمایندگی می کند. می شود آنچه را که در هنگری جریان دارد، دید. آنچه را که در روسیه می گذرد. بوریس جانسون، انتخابات را برد برای این که از «ترس از دیگران- غریبه ها- سوءاستفاده کرد. نژادپرستی یک ایدئولوژی جهانی است که تنگاتنگ به سرمایه داری کلان قلاب شده است. از زمان تجارت بردگی فرا آتلانتیک اتفاق افتاده است. بنابراین ما برای ایجاد دنیای نو خیلی کار باید انجام دهیم ما باید برای رسیدن به آن همه جانبه ریسک کنیم.

**اشپیگل:** فکر می کنید که ناآرامی در ایالات متحده امریکا تا تابستان ادامه می یابد؟

**گلاوده:** وضع بهتر نخواهد شد. ما در حال گذار از میان طوفانیم. کمربندهایتان را خوب ببندید.

**\*- در حاشیه:** مؤرخ ادی گلاوده جنویر، ۵۲ ساله در می سی سی پی متولد شده است. او رئیس دانشکده مطالعات امریکائی آفریقائی پرینستون است و رئیس اکادمی دین امریکا که بزرگترین جامعه جهانی برای مطالعات دینی است.

- اشپیگل ۲۰۲۰/۰۶/۰۶